

وسرانجام خانه تئاتر

ایرج راد، رئیس هیأت‌مدیره خانه تئاتر خبر داد که بعد از مدت‌ها پیگیری و تلاش، پروانه پایان کار ساختمان جدید این خانه صادر شده است. او در این باره به ایسنا گفت: مدت‌ها درگیر برطرف کردن مسائل و اشکالاتی بودیم که از سوی آتش‌نشانی بابت ایمنی ساختمان مطرح شده بود.

غیر از آن نیز شهرداری تهران مسائلی دیگر همچون فضای سبزی را مطرح کرده بود که خوشبختانه همه این موارد، عملیاتی شد. چندی پیش توانستیم پایان کار ساختمان خانه تئاتر را بگیریم. راد ادامه داد: برای اجرایی شدن مواردی که آتش‌نشانی و شهرداری خواستار رفع آن بودند، قراردادی با هوشمند هنر کار، یکی از اعضای هیأت‌مدیره خانه تئاتر منعقد کردیم و در این مدت چندین نوبت بازدید از سوی آتش‌نشانی صورت گرفت و جلسات متعددی با آنان داشتیم تا سرانجام مسائل حل و فصل شد. او با اشاره به دیگر مشکلاتی که برای دریافت پایان کار ساختمان خانه تئاتر وجود داشت، افزود: پیماندها و پرداخت بدهی‌هایی که در این زمینه باقی مانده بود، از دیگر مسائلی بود که باید آن را برطرف می‌کردیم و برای این منظور چند جلسه به بخش الکترونیک شهرداری مراجعه کردم که خوشبختانه این مسئله هم برطرف شد. راد با تقدیر از همراهی شهرداری منطقه ۷ نیز ریاست بخش شهرسازی آن مراعات کرد. به گفته او، پروانه پایان کار ساختمان خانه تئاتر ششم خردادماه امسال دریافت شده است. راد با ابراز خرسندی از این اتفاق تأکید کرد: این ساختمان به نام خانه تئاتر و متعلق به همه هنرمندان تئاتر است که امیدوارم بتوانند از امکانات آن به بهترین شکل استفاده کنند. لازم بود جامعه تئاتری بعد از سال‌ها، مکانی متعلق به خود داشته باشد.

انتقاد آلمانی‌ها از جشنواره برلین

جشنواره فیلم برلین به‌دلیل حذف بخش «چشم‌انداز سینمای آلمان» از دوره ۷۱ این رویداد سینمایی با انتقادات کم‌سابقه‌ای روبرو شده است.

۱۶۰ عضو انجمن سینمایی‌های شهری و فرهنگی آلمان از جشنواره فیلم برلین به‌دلیل تصمیم خود مبنی بر توقف بخش جنبی «چشم‌انداز سینمای آلمان» انتقاد کردند؛ بخشی که به نمایش آثار استعدادهای نوپای فیلمسازان جوان آلمانی می‌پرداخت. به گزارش اسکرین، انجمن سینماهای شهری و فرهنگی آلمان که اعضای آن شامل موزه فیلم آلمان در فرانکفورت، انجمن فیلم کلن، سینماتک لایپزیگ و... می‌شود با انتشار بیانیه‌ای در واکشن به تصمیم جشنواره برلین نوشت: «حذف این بخش نه تنها یک سبک‌گشایی کننده برای صحنه بین‌المللی فیلم بلکه به ویژه برای فیلمسازان داخلی و آینده خواهد بود.» این انجمن استدلال بر لایناله را مبنی بر اینکه این اقدام در آینده باعث می‌شود فیلم‌های آلمانی در بخش‌های دیگر جشنواره قابل دسترس باشد و در نتیجه بُعد بین‌المللی آن‌ها افزایش می‌یابد «غیرقابل درک» توصیف و عنوان کرد: «فیلم‌های فیلمسازان جدید آلمانی به جایگاه برحسنت‌شان فراتر از فیلم‌های بزرگ و پرهزینه و به بخشی مستقل برای دریافت بازخوردها، بحث و گفت‌وگو درباره آثار و فرصت‌هایی برای تبادل بین فیلمسازان و تماشاگران نیاز دارند.»

تهیه کننده «سفیر»: قریبیان، انتخاب اولمان بود

همزمان با ماه محرم و نمایش دوباره فیلم سینمایی سفیر، سید حسن جلاپر، تهیه‌کننده این فیلم مهمان بخش تاریخ شفاهی موزه سینمای ایران شد و طی گفت‌وگویی سه‌ساعته درباره روند ساخت و خاطراتی از پشت صحنه سفیر توضیح داد که بخشی از آن منتشر شده است. سید حسن جلاپر درباره انتخاب فرامرز قریبیان نیز گفت: از ابتدا انتخاب اولمان برای نقش قیس، فرامرز قریبیان بود و به‌منظرم اصلح‌ترین انتخاب بود. تهیه‌کننده سفیر درباره دستمزد بازیگران فیلم نیز گفت: بودجه فیلمبرداری ظرف مدت زمان ۳ ماه تمام شود و فرامرز قریبیان ۸۰ هزار تومان دستمزد گرفت. اما به‌دلیل طولانی شدن زمان فیلمبرداری گروه بازیگران ۳ بار دستمزد گرفتند؛ یعنی فرامرز قریبیان برای سفیر ۲۴۰ هزار تومان دستمزد گرفت. وی گفت: در نظر داشته باشید که خدا همه چیز را می‌بیند؛ بنابراین خودتان باشید و برای خودتان کار کنید. برای چیزی که مهم‌است کار کنید؛ اما تصور نکنید فقط آنچه شما فکر می‌کنید درست است. شما باید نزد خداوند متعال راز و نیاز کنید و از او بخواهید که «خدا کارهای کن که من جز برای تو نگویم، جز برای تو ننویسم و جز برای تو کاری انجام ندهم.» شخصی‌ستی را که خدا به شما داده است، خرج یک‌سری آدم‌های سطح پایین نکنید و بدانید هنر بزرگ‌تر از آن است که با آن بازی شود و توجه جدی داشته باشید که هنر فروش هنرمند نیست؛ با هنر بازی و دادوستد نکنید. هنر را ببینید؛ با هنر ببینید و با هنر کار انجام دهید تا به هدف اصلی‌تان برسید.



عکس: هفتشهری/امیرداد تهروری

سیلی سخت محرم

سیلی محرم امسال را دشمنان جمهوری اسلامی خوردند که قدرت درک قاعده و سنت الهی را ندارند

گزارش

رسول امیری روزنامه‌نگار

دشمن از جایی که فکرش را نمی‌کند، ضربه می‌خورد؛ این مضمون یکی از آیات قرآن است: هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ.

محاسبه ظاهری

اما همه داستان این نبود، محاسبه ظاهری این بود که این یهودی‌ها ترک میدان مبارزه و وطن خود را نمی‌کنند، اما خدای تعالی از جایی اراده‌اش را بر آنها جاری کرد که تصورشان را هم نمی‌کردند. آنها آماده بودند که از خود از طریق همان دژها و درها دفاع کنند و مانع حمله مسلمانان شوند، اما خداوند از راه ایجاد رعب و وحشت در وجودشان، کار را پیش برد (و قذف فی قلوبهم الرعب) و کلمه (رعب) بنا بر قول مرحوم علامه در المیزان به‌معنای خوفی است که دل را پر کند؛ (بخربون بیوتهم بایدبیم)، خانه‌های‌شان را به‌دست خود ویران می‌کردند که به‌دست مسلمانان نیفتد و این از قوت سیطره‌ای بود که خدای تعالی بر آنان داشت؛ برای اینکه خانمان‌شان را به‌دست خود آنان و به‌دست مؤمنان ویران کرد.

«اوست آن که کافران اهل کتاب (یهودیان بنی‌نضیر) را در نخستین مرحله‌ای که کوچ‌شان داد، از خانه و دیارشان بیرون کرد. شما مؤمنان گمان نمی‌کردید که آنان با این نیرو و قدرتی که دارند از دیارشان بیرون روند و خود نیز می‌پنداشتند که دژهایشان مانع تسلط خدا بر آنان خواهد بود، اما خدا از جایی که تصور نمی‌کردند بر آنان در آمد و در دل‌هایشان بیم افکند، تا آنجا که به‌دست خود و به‌دست مؤمنان خانه‌های خود را ویران می‌کردند پس ای دیدوران از کارهای خدا که آنها را می‌نگرید، عبرت بگیرید.»

ماجرا راجع به نقض پیمان یهودیان بنی‌نضیر در صدر اسلام است که پیغمبر دستور به جلاي وطن آنها را صادر کرد. قرآن می‌فرماید نه شما (مسلمانان) فکر می‌کردید که اینها ترک وطن خود کنند چون شما از این قبيله قوت و شدت و نیرومندی سابقه داشتید؛ خود آنها هم هرگز چنین احتمالی نمی‌دادند. آنها پیش خود فکر می‌کردند قلعه‌های محکم‌شان نمی‌گذارد خدا آسیب‌شان برساند و مادام در آن قلعه‌ها متحصن هستند و مسلمانان بر آنان غلبه نمی‌یابند.

شکست طراحی‌های چندلایه

دشمن جمهوری اسلامی قدرت درک این قاعده و سنت الهی را ندارد؛ لذا در طراحی‌هایش با اینکه دقیق برنامه می‌ریزد، اما قادر به نگاه جامع به صحنه مبارزه نیست. طراحی‌های چند لایه می‌کند برای محرم، سال‌هاست که مشغول این طراحی‌ها علیه امام حسین(ع) و جریان تاریخی عاشورا هستند. سری جدیدش از زمان رضاخان شروع شد. تصور کردند که با زور سرنیزه می‌توانند محبت خیرمایه وجودی ما را از ما بگیرند؛ اما امسال خود را شکستند پوشش «نذری نخورید و سیاه نشوید» راه انداختند.

اشتباه محاسباتی دشمنان

بود که ما حتی انتظار کمترین ناآرامی را در آن نداشتیم؛ زیرا از نظر فرماندهی و آموزش با آمریکا ارتباط نزدیکی داشت. شاید خیلی از همان کسانی که آن روز در آن جریان عظیم تاریخی شرکت کردند، عمدتاً کسانی بودند که تحصیلاتشان در آمریکا انجام شده بود و با فرهنگ آمریکایی آشنا بودند؛ امسا اینها از آنجا ضربه خوردند. خوب، این نشانه آن است که وعده الهی صادق است. قاعده قرآن این است که هر وقت جبهه حق وارد میدان

همان روزها در ایران، در ارتش حضور داشتند، شد عامل شکست رژیم طاغوت و موجب نابودی امیدهای آمریکا در ایران که خدا در قرآن می‌فرماید: فَاتَّبِعُوا اللَّهَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا! از آنجایی که خیال نمی‌کردند ضربه و سیلی خوردند.»

هائیز که فرستاده ویژه آمریکایی‌ها در بیحیوه انقلاب اسلامی بود و دستسور داشت هر میزان که صلاح می‌داند خون بریزد، اما جلوی انقلاب را بگیرد در خاطراتش می‌نویسد که نیروی هوایی جایی

خیابان شلوغ!

راه افتادیم به سمت میدان اصلی. شلوغ بود. ماشین را پارک کردیم و پیاده راه افتادیم. دسته‌ها پشت سر هم صف کشیده بودند. هوا گرم بود. بوی اسفند همه‌جا را پر کرده بود. یکی سربند تعارف می‌کرد؛ «لیپیک یا حسین ۴». یکی از در حیاط خانهاش، شلنگ آب بیرون آورده بود و می‌باشید روی سر مردم. بچه‌های ریز و درشت دسته هم می‌دویدند سر و صورت‌شان را آب می‌زدند. بعضی هم دهان‌شان را روی شلنگ می‌گذاشتند و قورت قورت آب می‌خوردند. رقتم به بچگی یاد پدر بزرگم افتاد. خدایمهرز ند آب داشت. ظهر شد. مداح فریاد زد: ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

سر یک کوچه بن‌بست مردم صف بسته بودند، برای غذا. ما هم به ناچار ایستادیم. نمی‌خواستیم مدیون دم دستگه باشیم. توی صف که بودیم به خانم گفتم قیمة پرسی چنده؟ غذا را گرفتیم. کمی آن طرف‌تر کارنخوان دیدم. آدم پولش را بکشم. پیرمردی، خنده‌ای زد و گفت: مال شما قبلا حساب شده! خجالت کشیدم. گفتم قبول باشه حاجی!

زدم کتک! ای بی‌گفتن! ناخودآگاه جواب دادم: حسین جان!

۳۳۰ هنرمند پرچم عزای امام حسین ۴ را برافراشتند

کازم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی: بیش از ۳۳۰ هنرمند از شهرهای مختلف ایران در این ۱۰ شب گردهم آمدند و پرچم عزای امام حسین(ع) را برافراشته نگه داشتند. در مورد هنرمندانی که در این ویژه‌برنامه به اجرای برنامه پرداختند، به‌جرات می‌توانم بگویم از بهترین‌های ایران هستند و در این ۱۰ شب خالصانه و باورمند همراه ما بودند. را ایسنا

رفتن به یک برنامه تلویزیونی درآمدش از یک‌ماه کار در رادیو بیشتر است

بیوک میرزایی، بازیگر: دستمزدهایی که در رادیو می‌دهند، قابل قیاس با کار در تلویزیون نیست. اگر به‌صورت شبانه‌روزی هم در رادیو کار کنید، سر ماه ۴ تا ۵ میلیون تومان پول به شما می‌دهند، اما با یک حضور چند دقیقه‌ای به‌عنوان مهمان در یک برنامه تلویزیونی می‌توانید همین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان را دریافت کنید! درباره حضور در فیلم‌ها و سریال‌ها که دیگر شرایط فرق می‌کند و قرارداد عقد می‌شود، اما می‌خواهم بگویم حتی حضور به‌عنوان مهمان در تلویزیون هم عایدی بیشتری نسبت به کار در رادیو دارد و درآمدش زمین تا آسمان فرق می‌کند. ر مهر



«فراری» به خط پایان جشنواره

نیویورک می‌رسد



فراری، جدیدترین ساخته مایکل مان به‌عنوان فیلم اختتامیه شصت‌ویکمین جشنواره نیویورک انتخاب شد. به گزارش ایسنا به نقل از دلاین، درام مسابقه‌ای «فراری» ساخته مایکل مان که هفته گذشته به‌عنوان یکی از فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره فیلم ونیز معرفی شد، در نخستین نمایش خود در آمریکا در اختتامیه شصت‌ویکمین جشنواره نیویورک روی پرده می‌رود. مایکل مان که ساخت فیلم‌هایی چون «مخمسه» را بر عهده داشته است، فیلم «فراری» را با اقتباس از کتاب زندگی‌نامه «هرد و ماشین» نوشته براک پیتس (۱۹۹۱) ساخته است. این فیلم که در زادگاه فراری، مودنا فیلمبرداری شد، زندگی این کارآفرین ایتالیایی و یک مسابقه‌دهنده فرمول‌با بازی «آدام درایور» را در یک نقطه حیاتی حرفه‌ای و شخصی به نمایش می‌گذارد. شاپلین ودلی، گابریل لئونو، پارتیک میسی و جک اوکائل دیگر بازیگران این فیلم هستند. فراری در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز در ماه سپتامبر نخستین نمایش جهانی خود را تجربه خواهد کرد و از ۲۵ دسامبر در سینماها اکران می‌شود.

مدیران فارابی باید مشورت پذیر باشند

هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون در پی برکناری مدیر سابق بنیاد سینمایی فارابی و انتصاب مجید زین‌العابدین در رأس این نهاد در خصوص لزوم بازیابی هویت بنیاد سینمایی فارابی گفت: مدیر فارابی باید مشورت لازم را با مخاطبان خانواده سینما انجام دهد و نقدپذیر باشد؛ کسی که ساکن اداره این نهاد مهم سینمایی را در دست می‌گیرد نباید دنبال فرصت‌طلبی شخصی باشد و ملزم است تدبیری اندیشه‌کند تا صلاح سینمای کشور در استراتژی‌هایش تبیین و ترسیم شود.

بازیگر فیلم‌های سینمایی «درساژ» و «نقدی» در گفت‌وگو با سینماپرس افزود: اهداف کلان سینمایی همواره توسط ریاست سازمان سینمایی تبیین می‌شوند؛ نکته مهم آنجاست که مدیران ذیل سازمان سینمایی از جمله مدیر بنیاد سینمایی فارابی باید با رئیس سازمان سینمایی همفکر و همسو باشند.

آگهی فراخوان شناسایی سازندگان و تامین کنندگان

موضوع: مهندسی، تامین، نصب و راه اندازی نیروگاه ۱۴ مگاواتی

یک شرکت پیمانکار عمومی در نظر دارد جهت انجام خدمات موضوع فوق، نسبت به شناسایی سازندگان و تامین کنندگان بویلر و توربین ژنراتور بخار اقدام نماید. لذا از شرکت‌های دارای صلاحیت و تجربه مشابه دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار این آگهی، نسبت به ارسال نامه اعلام آمادگی به همراه رزومه مرتبط به دبیرخانه شرکت به آدرس ذیل اقدام نمایند:

تهران، بلوار نلسون ماندلا، خیابان شهید وحید دستگردی، پلاک ۳۰۱ تلفن ۸۸۸۷۲۳۶۶ داخلی ۵۵۸

info@nicc-co.com

همه‌شهری را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

hamshahrinews telegram

تلیغات محیطی ایستگاه‌های مترو

تلیغات بدنه قطار

تلیغات درون واگن‌ها

پدیرش آگهی ۱۸۱۹